خبر

آغاز تدوین «ساعت ۶ صبح»

فیلمبرداری فیلم «ساعت ۶ صبح» تازه‌ترین فیلم مهران مدیری به پایان رسید و وارد مرحله تدوین شد. مهران مدیری علاوه بر ساخت فیلم، نویسندگی فیلمنامه ساعت ۶ صبح را هم برعهده داشت. تهیه‌کننده فیلم هم علی اوجی است که سابقه همکاری با مدیری را در کارنامه دارد. آن‌طور که روابط عمومی فیلم اعلام کرد، ساعت ۶ صبح این روزها در حال تدوین و صداگذاری است. سمیرا حسن‌پور، مهرداد صدیقیان، مونا فرجاد، تینو صالحی، سعید زارعی، مهران مدیری و جمعی از بازیگران تئاتر و سینما در این فیلم به ایفای نقش پرداخته‌اند. مدیر فیلمبرداری دومین ساخته سینمایی مدیری هم مسعود سلامی بود. عباس رافعی، کارگردان فیلم‌هایی چون فصل فراموشی فریبا و غیبت موجه که نامش به‌عنوان یکی از فیلمنامه‌نویسان فیلم ساعت ۶ صبح مطرح شده بود در این زمینه به ایسنا توضیح داده است: فیلمنامه‌ای را نوشته بودم به نام «بن‌بست» که قرار بود خودم آن را کارگردانی کنم ولی آن را به آقای مدیری واگذار کردم. این فیلمنامه پس از بازنویسی و اعمال تغییراتی توسط مهران مدیری برای گرفتن پروانه ساخت، به ساعت ۶ صبح تغییر نام پیدا کرد. مهران مدیری که بیشتر به‌عنوان چهره و کارگردان تلویزیونی شناخته می‌شود و آثاری چون ساعت خوش، مرد هزارچهره، در حاشیه و دورهمی را در کارنامه دارد، پیش از این فیلمی به نام ساعت ۵ عصر را در سینما کارگردانی کرده بود.

اجرای عدالت عین مصلحت است

بررسی فیلمی که راوی اتفاقات دهه اول انقلاب است

نسرین بختیاری
گروه فرهنگ و هنر

یکی از فیلم‌هایی که از ۱۷ خرداد به سینماها آمده و توانست پنجمین فیلم جدول فروش در ۳۰ روز گذشته باشد، «مصلحت» به نویسندگی و کارگردانی حسین دارابی و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفاه با نام‌های سابق «پدری» و «مصلحت نظام» است. فرهاد قائمیان، وحید رهبانی، مهدی حسینی‌نیا، مجید نوروزی، امیر نوروزی، نازنین فراهانی، سهی بانو ذوالقدر، مهدی فریضه، علی دل‌پیشه، حسن تسعیری، مجید جعفری و وحید نفر جزو بازیگران اصلی این فیلم هستند. مصلحت پس از نمایش در سی‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر و نامزد شدن در بخش‌های بهترین بازیگر نقش اول زن، بهترین بازیگر نقش مکمل مرد، بهترین تدوین، بهترین موسیقی متن، بهترین طراحی لباس و بهترین طراحی صحنه و درنهایت دریافت جازه بهترین کارگردان اول، به محاق توقیف چندساله رفت؛ تا این‌که امسال زمینه‌های اکران آن فراهم شد.

این فیلم سینمایی با بلیت فروخته شده و بیش از ۱۵۰ هزار، اختیار داشتن ۳۷۰ سالن و بیش از ۹۲۳۸ سئانس تا هشتم مرداد، موفق شده تا آمار فروش خود را به بیش از شش میلیارد و ۵۱ میلیون و ۸۸۹ هزار تومان برساند.

داستان به ما چه می‌گوید

اما اگر بخواهیم به بخش‌هایی از داستان فیلم اشاره کنیم، باید به سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی برگردیم؛ در سال‌هایی که درگیری‌های خیابانی هواداران سازمان مجاهدین خلق (منافقان) با طرفداران انقلاب اسلامی شدت گرفته است. در جریان یکی از درگیری‌ها، یکی از سمپات‌های این سازمان (شاهین، پسری از خانواده‌ای سرمایه‌دار) رامهدی، فرزند پسر رئیس دادستان کشور می‌کشد. اعضای ارشد دادستانی تصمیم می‌گیرند با هدف مصلحت‌سنجی و جلوگیری از سوءاستفاده سازمان و بنی‌صدر، این مسأله را کتمان کنند و قتل را به گردن فرج صالحی، یکی از نیروهای تأمین‌کننده نظم و امنیت در شهر که از افراد کمیته انقلاب اسلامی است و در روز حادثه مشغول تیراندازی هوایی برای متفرق کردن جمع بوده، بیندازند. با سندسازی، پرونده‌سازی و برنامه‌ریزی، پرونده قتل به امضای بازپرس حسین جلالی می‌رسد و قتل به گردن فرج صالحی افتاده و در نهایت به جرم قتل غیرعمد به دو سال حبس محکوم می‌شود. در جریان مراجعه خانواده فرج صالحی به حسین جلالی، او مشکوک شده و پرونده صالحی را دقیق بررسی می‌کند و متوجه می‌شود که برای او پرونده‌سازی شده و قتل، کار فرزند دادستان کشور بوده است و... این آگاهی موجب ایجاد کنش و واکنش‌هایی در شخصیت‌های اصلی فیلم و درگیری می‌شود که دیدن ادامه داستان را برای مخاطبان جذاب‌تر می‌کند.

حساسیت‌های مصلحت

آنچه موجب شده این فیلم از زوایایی حساسیت‌برانگیز به‌نظر برسد و شاید یکی از علل گیر و گرفت‌ها برای توقیف فیلم همان‌ها باشد، مربوط به سندسازی در دادستانی کل کشور است. جالب است که این سندسازی با برچسب مصلحت موجه می‌شود که به مرور رگه‌های خطرناکی از فساد بیرون می‌زند. بخشی از ماجرای حساسیت هم مربوط به دیالوگ‌هایی است که میان دو طرف دعوا شکل می‌گیرد. در یک دوگانه تندوتیز و تضاد دو نگاه در یک انقلاب، میان حاکم شرع در دادستانی با بازپرس عدالت‌جوی همان دادستانی، چالش و نزاع لفظی شکل می‌گیرد که حاکم شرع عنوان می‌کند: «با شور و هیجان می‌شود انقلاب کرد اما با این شور نمی‌شود آن را حفظ کرد.» که در مقابل بازپرس عدالت‌جو عنوان می‌کند: «ولی با عدالت می‌شود آن را حفظ کرد.» بنابراین اگر عدالت به معنای واقعی کلمه حفظ شود، می‌تواند زمینه‌ای برای حفظ پایه‌های انقلاب باشد اما متأسفانه گاهی واسطه‌های حاضر در مسیر رسیدگی به امور قضایی و اعمال عدالت، ناقض روند اجرای عدالت می‌شوند و متوجه حساسیت موضوع نیستند. در بخش‌هایی از فیلم که باز هم می‌تواند نکته حساسیت‌برانگیز و جالب توجهی برای مخاطبان باشد، می‌بینیم که مادر مقتول وقتی قصد دارد مجری حکم قصاص باشد، پای چهارپایه اعدام قاتل پسرش قرار می‌گیرد و در نهایت نمی‌تواند به چهارپایه ضربه بزند و حکم اعدام را جاری کند. او در حالی‌که اشک می‌ریخت، می‌گفت: «فکر نمی‌کردم همه‌چیز این‌قدر واقعی شود [اعدام قاتل واقعی پسرش] و تصورم این بود که همه چیز دست شما انقلابی‌هاست.»

مجری قانون، عدالت را به مسیر خود برمی‌گرداند

فحوای تم و پیش‌زمینه داستان مصلحت به ما القا می‌کند که مجری قانون و عدالت می‌تواند عدالت را به مسیر خود بازگرداند و هر نوع اصلاح در روند عدالت را ابتدا مجری قانون و عدالت امکان‌پذیر می‌کند. همچنین یکی دیگر از نکاتی که مصلحت می‌تواند به تماشاگر خود القا کند و شاید کمتر به آن توجه می‌شود، این است که اگر خودی توصیه به عدالت کند، صادقانه‌تر است تا غریبه؛ چرا که غریبه ممکن است به همین بهانه، از بی‌عدالتی صورت گرفته، سوءاستفاده کند. در این فیلم شاهد پیامد توهین به عکس شهید بهشتی هستیم؛ به این معنا که پیامد چنین توهینی کشته شدن یک انسان و شکل گرفتن یک روند ناعادلانه است. بنابراین اگر این توهین صورت نمی‌گرفت، شاید فضایی برای کشته شدن یک انسان به‌وجود نمی‌آمد. یکی از شخصیت‌های کلیدی این داستان، پدر خانواده (پدر جوان قاتل و دادستان کشور) با بازی خوب فرهاد قائمیان است که به‌خوبی از پس اجرای این نقش در قالب شخصیتی روحانی برآمده است. او در اجرای عدالت به‌قدری جدی است که حتی خانواده‌اش را از آن مستثنی نمی‌کند. نقش او در خانواده مثل نقش یک مجری قانون در اجتماع است که اگر دید روندی در خانواده‌اش مغفول مانده است، به آن رسیدگی می‌کند. در واقع او می‌تواند نماینده‌ای از یک جامعه کوچک (خانواده) باشد که اقدامات عدالت‌جویانه‌اش به جامعه‌ای بزرگ‌تر تسری پیدا می‌کند. آنچه این شخصیت کلیدی داستان انجام می‌دهد، موجب تغییر دیدگاه مردم و مثبت شدن ذهن‌شان نسبت به فرآیند اجرای عدالت می‌شود که به همه ما یادآوری می‌کند که: «عدالت داشته باش تا همه (مردم) به تو اعتماد کنند!»

زاویه نگاه متفاوت «مصلحت»

زاویه دید فیلم مصلحت را از سایر فیلم‌های اجتماعی دیگر جدا می‌کند، زاویه نگاهی که نسبت به درگیری میان طرفداران انقلاب به سرگروهی فرزند دادستان کشور و سمپات‌های سازمان منافقان به مخاطبان ارائه می‌کند. آنچه به نظر قابل توجه است، نقش منافقان در برافروختن خشم انقلابی‌ها و کشته شدن یکی از سمپات‌ها و در ادامه رویارویی با پیامد این خشم ناخواسته است. بنابراین، نقش منافقان در جریان‌های اوایل انقلاب تا پیش از حوادث خرداد ۶۰ در کشور که فضای کشور با تحرکات خیابانی این سازمان ملتهب شده، غیرقابل انکار است. همین داستان با روایتی متفاوت در قالب یک درام مناسب و قوی بیان می‌شود. بنابراین، از سویی ما شاهد یک روایت متفاوت از منافقان هستیم که بر بستر یک درام سیاسی و معمایی سوار شده و از سویی دیگر شاهد بازخوانی تاریخی از یک واقعه هستیم.

خطر در کمین انقلاب

«مصلحت» نمایانگر فشار کار فراوان دادستانی کشور در سال‌های ابتدای پیروزی انقلاب است که اصلا تخلف از عدالت و مسیر اعمال قانون به نحو عادلانه به بهانه همین فشار کار صورت می‌گیرد و این در شرایطی است که هنوز ساختارهای حاکمیتی به طور کامل و منسجم شکل نگرفته بود. از جمله مواردی که داستان پرکشش و پرتعلیق مصلحت را به بهترین نحو ممکن روایت می‌کند، بازی با عدالت به بهانه مصلحت است؛ مصلحت نظام و انقلاب در مقابل دشمنان نظام و انقلاب. به همین دلیل، سراسر فیلم روی این مسأله تمرکز می‌کند که سلامت و بقای نظام بر پایه جاری شدن عدالت تضمین می‌شود. این جزو نکاتی است که فیلم، آن را در پایان به این شکل به نتیجه می‌رساند که اگر مقرر باشد مصلحت به قیمت منحرف کردن و تضییع عدالت اعمال شود، موجب به خطر افتادن انقلاب و نظام خواهد شد.

مصلحت‌سنجی، موضوع اصلی یک درام جذاب

در واقع مصلحت‌سنجی از اصلی‌ترین مسائلی است که مصلحت در پوشش یک درام جذاب با موضوعاتی مرتبط با سیاست، خانواده، روحانیت، منافقان، دشمنان با انقلاب و نظام، مطرح می‌کند. تمام این ماجراها با یک ریتم منظم در ساختار روایی اثر بیان می‌شود که به تدریج ابعادی پیچیده‌تر به خود می‌گیرد. در نهایت داستان ما را به این سر منزل مقصود می‌رساند که اگر مقرر است مصلحتی به فراخور شرایطی جاری شود، نباید از حدود و چارچوب عدالت خارج شود. داستان مصلحت از این زاویه که حکم ناعادلانه برای فرد کمیته‌ای بی‌گناه که در طبقات خرد جامعه قرار دارد، تبدیل به اجرای عدالت در خصوص یک آقازاده صاحب نفوذ می‌شود نیز قابل توجه است.

وقتی موضوع فیلم مسأله فیلمساز می‌شود

هیچ چیز مهمتر از این نیست که وقتی کارگردانی فیلمی را کارگردانی می‌کند، تمام قد پای تمام خوب و بدش یا پیامدهای اکرانش بایستد که ظاهرا این اتفاق برای حسین دارابی رخ داده‌است. بنابراین، مشخص است که فیلمساز به آنچه در فیلم بیان کرده باور دارد و مسأله فیلم جزئی از مسائل کارگردان و نماینده ذهن، ضمیر و اعتقادات اوست. دو نماد مصلحت، موزاییک لق روی پله خانه پدری قاتل و کودکی اوست که یکی نمادی از نسل آینده و دیگری نماد لغزشگاهی است که اگر برطرف نشود، آدمی روی آن خواهد لغزید. این دو نماد در پایان فیلم در یک قاب و یک پرداخت سینمایی دوباره نمایش داده می‌شود؛ با این تفاوت که هر دو از نقطه ضعف به نقطه‌قوت داستان تبدیل شده‌اند. مصلحت، جسورانه و نمونه موفقی از سینمای انقلابی است؛ منظور از سینمای انقلابی آن نوع از سینمایی است که ضروری است در قاب آن، آرمان‌های انقلاب با عقلانیت و نمایان کردن نقاطی مطرح می‌شود که می‌تواند بر آن قوت و ضعف حادث شود. به همین دلیل، این فیلم به آسیب‌شناسی پیرامون نقاط ضعف‌های بحران‌ساز انقلاب که آن را تهدید می‌کند، در چارچوب یک پرداخت سینمایی، با نگاه صادقانه به آینده، می‌پردازد.

برش

تضاد دیدگاه‌های موافق

در این فیلم یک دوگانه بسیار مهم مطرح شده است. در میانه‌های فیلم و پس از آن‌که ابعاد اصلی قصه باز می‌شود و مسأله عدالت غالب بر مصلحت‌سنجی ناعادلانه به اولویت اول روایی و پرداختی فیلم تبدیل می‌شود، یک دوگانه مؤثر نمادین با روایتی خلاقانه میان فردی به نام مسعود قاسمی که ضابط دادستانی کشور است با حسین جلالی که بازپرس دادستانی است، شکل می‌گیرد. مسعود قاسمی فقط به امنیت و رسیدن به هدف به هر قیمت و وسیله فکر می‌کند و حتی اگر در این بین بی‌عدالتی شکل بگیرد، بدون اشکال است. اما حسین جلالی با عدالت‌جویی سعی می‌کند از زیرسؤال رفتن عدالت و تضییع آن به هر قیمت جلوگیری کند که این دو در ابتدای فیلم، دوست خانوادگی و همکار هم هستند، اما تا پایان فیلم، تضاد دیدگاه‌ها موجب درگیری شدید بین آنها می‌شود. فیلم این‌گونه به بررسی مسأله قصاص پرداخته است که آن را حقوق حقه ولی‌دم معرفی می‌کند، اما در نهایت از زاویه‌ای انسانی، بخشش در مقابل قصاص را به تصویر کشیده است. این نمایانگر نوع نگاه فیلمساز به مسأله قصاص با دو تفاوت اساسی است: اول؛ این‌که به بهانه بررسی مسأله قصاص، حکم قرآنی قصاص را زیرسؤال نمی‌برد، دوم؛ قصاص را به بخشش که بهتر از آن است، منتج می‌کند؛ گویی برای خانواده ولی‌دم همین که عدالت جاری شود کافی است و در پس آن، بخشش ساده‌تر شده است.

یادبود

به کجا چنین شتابان؟

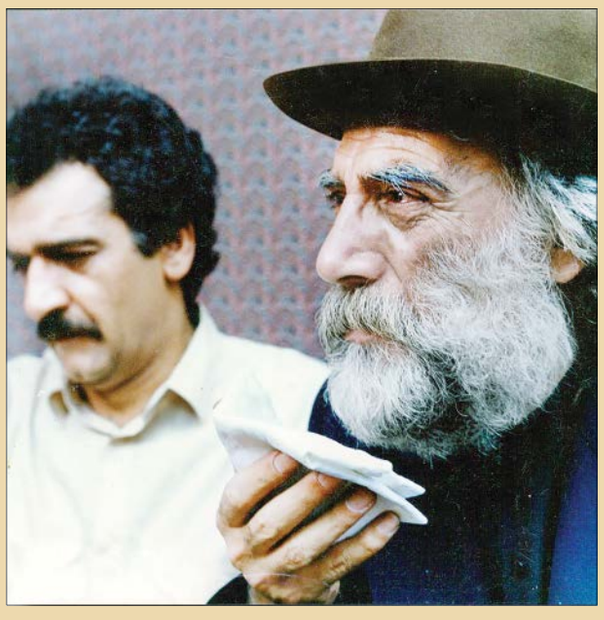

۳۰ سال پیش و در چنین صبحی، هادی اسلامی در ۵۳ سالگی از دنیا رفت تا سینمای ایران روز خود را با خبری تلخ و شوکه‌کننده آغاز کند. اسلامی بازیگر درجه یکی بود و هر نقش را با چنان وقار، طمانینه و عمقی بازی می‌کرد که وزن و اعتبار کاراکتر روی کاغذ (فیلمنامه) را به‌شدت ارتقا می‌داد و آن را طوری به نام خودش سند می‌زد که تصور بازیگری غیر از او در آن نقش دشوار بود. چه نقش‌هایی که می‌شد با حضور هنرمندانه او راه خود را به شخصیت‌های محبوب مردم باز کنند و نشد اما اسلامی در همان عمر نسبتا کوتاه هم بار خود را بست و ماترک ارزشمندی برای مخاطبان به یادگار گذاشت، از نعمت‌خان «اتوبوس» که جلوی کدخدا می‌ایستد تا نوری «سرب» که به‌عنوان خبرنگار برای بیان حقیقت پاشنه ورمی‌کشد تا آقاجون «خواستگاری» که سر پیری فیلِ قلبش یاد هندوستان می‌کند برای تشکیل یک زندگی مشترک تازه و.... اما حیف که اسلامی برای رفتن عجله داشت، مثل جواد در «شتابزده» که برخلاف آن کاراکتر دیگر (جمال با بازی مهدی فخیم‌زاده) رد و نشانی از مرگ نداشت و در پایان فیلم با درگذشت نابهنگامش، تماشاگران را میخکوب و غافلگیر کرد. روحش شاد و یادش گرامی.

جشنواره

سه فیلم ایرانی در جشنواره هند

پانزدهمین جشنواره بین‌المللی کرالای هند میزبان نمایش دو فیلم کوتاه و یک مستند از سینماگران ایرانی خواهد بود.

پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کرالا از ۴ تا ۹ آگوست (۱۳ تا ۱۸ مردادماه) در شهر کرالای هند برگزار می‌شود و «دانه سیاه» به نویسندگی مشترک امیرهومان خسروانی و امیر نجفی با تهیه‌کنندگی مجید برزگر و کارگردانی امیرهومان خسروانی و «بعد از نیمه شب» به کارگردانی محمد باقری و تهیه‌کنندگی محمدهادی آقاجانی و در بخش فیلم‌های کوتاه و مستند «وداع با اسلحه» به کارگردانی امیرحسین کاربخش و تهیه‌کنندگی علیرضا منتظری در بخش مستند به نمایش درمی‌آیند. همایون ارشادی، علیرضا ثانی‌فر، دیبا زاهدی، سارا والیانی، ابراهیم عزیزی و محمد مسیبی از بازیگران فیلم کوتاه «دانه سیاه» هستند.

مستند وداع با اسلحه هم روایتی درباره مسائل میان فلسطین و اسرائیل با محوریت یاسر عرفات است و فیلم کوتاه بعد از نیمه شب هم روایت قصاص و از خودگذشتگی یک مادر به عنوان ولی‌دم است. جشنواره بین‌المللی فیلم کرالا هرساله در تریواندروم مرکز ایالت کرالا در کشور هند برگزار می‌شود. این جشنواره توسط آکادمی فیلم ایالت کرالا در سال ۱۹۹۶ بنیان گذاشته شد.

رویداد

آخرین مهلت ثبت‌نام جشنواره کودک

سامانه سی‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان تا پایان مرداد پذیرای ثبت‌نام آثار متقاضی در این دوره از جشنواره خواهد بود. متقاضیان حضور در سی‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان با مراجعه به سامانه جشنواره به نشانی‌های www.icff.ir یا https://portal.icff.ir و انتخاب گزینه «ثبت‌نام در جشنواره» می‌توانند نسبت به ثبت‌نام آثار خود طبق فراخوان اعلام شده اقدام کنند و این فرآیند تا پایان مردادماه ادامه خواهد داشت. به منظور حفظ آیین‌نامه و روند حرفه‌ای برگزاری جشنواره، مهلت ثبت‌نام نهایی متقاضیان حضور در سی‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان تنها تا پایان مرداد است و این تاریخ به هیچ‌عنوان تمدید نخواهد شد. سی‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در مسیر تحقق اخلاق، آگاهی، امید و تلاش برای پرورش و رشد نسلی آینده‌ساز، متعهد، مومن و پیشرو در دو بخش رقابتی و جنبی، به دبیری مجید زین‌العابدین و با مشارکت سازمان سینمایی، بنیاد سینمایی فارابی و شهرداری اصفهان مهرامسال به میزبانی اصفهان برگزار می‌شود.